داکتر خلیل الله هاشمیان
۲۰۱۷/۰۲/۰۷

Contents of the Narrative of Events in Cabul from the Death

of Dost Mohammad to the spring of 1872 – Mr.Wyllie's Precis

رول وموقف تشریحی سید رومی درکابل که بحیث ایجنت روسی دردربار کابل شناخته شده

عنوان فوق به راپوری تعلق داردکه نمایندگان وایسرای انگلیس در هندوستان نتایج مذاکرات خود را باسیدجمال الدین افغانی، وزیرومشاور امیرمحمداعظم خان درکابل درسال 1872 به وایسرای هندوستان ارسال کرده بودند و در مجموعهٔ اختصاصی ومنحصربفردآقای(Wyllie) درصفحات 153-156 نشرشده است. ترجمهٔ متن کامل این اوراق را ذیلا میخوانید:

253-این ادراکی که اکثراوقات اززبان منشی شنیده میشودکه اگر هیچ چیزی ازجانب هندوستان میسرنشود، زمامداران کابل بایدبه امدادخارجی متوسل شوند، بعدازظاهرشدن یک شخص مرموزدرکابل که درقیافهٔ سیدرومی تظاهرمیکند، بسیاربیشترشد.ازگفت وگویی که درین موردبا این شخص صورت گرفته، خلاصهٔ آن ازین قراراست :

"" یک سیدازقسطنطنیه ازمدتی به اینطرف درکابل میباشد. اومیگویدکه بمنظوربهره برداری ازمسافرت به اینجا آمده است، واومتواتربرای صحبت های خاص بدربارامیرپذیرفته میشود، وامیرماهواردوصدروپیه بحیث مهمان به او می پرازد. معلوم نیست این شخص کی هست؛ بعضی ها اورا ایجنت کدام حکومت میخوانند.""

"" همین اکنون این سید قسطنطینی(که دریک راپورقبلی معرفی شده)چنان موردالتفات ومصاحبت امیرقراردارد که هیچیک ازسایراعضای دربارندارد، و اومتداوم درحضورومجلس امیربسرمیبرد. بسیارمردم میگویند،وشایددرست باشد، که اونمایندهٔ روسیه است.""

"" چندساعت قبل، شخصیکه خودرا "حاجی الحرمین" مینامد نزداین سید قسطنطینی آمدوسپس اوراترک کرد: اکنون شخص دیگری نزداوآمده که به سیدمدنی مشهوراست. ازدیداروصحبتهای اینچنین اشخاص (واضحابرمی آید که سید درکابل برای کدام مقصدسیاسی آمده)، واین سیداکثراوقات بساعت 10 یا11 شب برای مذاکرات مخفی با امیراحضار میشود. یک شخص مورداعتماد بمن گفت که این سیدوعدهٔ امداد کرورها روپیه نقده راازجانب دولت روسیه با خودآورده است تااتحادبین آنها (روسیه وافغانستان) راباوعده های بیشتر مستحکم سازد. ""

254. راجع به این شخص، خبررسان های دیگر بتاریخ 31 مارچ و25 جون چیز های دیگرنوشتند که ازقرارذیل است :

"" حاجی سید رومی، جاسوس مخفی دولت ترکستان روسی،اکنون بحیث بانفوذ ترین عضوهیات دولت امیرتبارزکرده است. میگویندواز تفلیس به بخارا، ازطریق شروان وتبریزدرکشورفارس واورگنج، سپس ازطریق جلگه های ترکمن به هرات رسیده است. سیددرسال 1866، ازقندهاردیدن کرده ودرآنجا امیر محمداعظم خان را دیده ویک مقداراوراق مخفی راکه برای اوآورده بود به اوتقدیم نموده بود. ازآن به بعدباامیربوده وامیر اورا نزدیک خودنگه داشته است.""

""یکی ازپیروان حاجی (سید) مردیست بنام ابوتراب، دارای چشمان کوتاه،رخسار سرخ، موی روشن که یقیناازباشنده گان تفلیس میباشد."" (ختم صفحهٔ 153)

ملاحظات سید رومی

""رخسار پریده، پیشانی فراخ، چشمان آبی، ریش مانندبُز که تارهای سرخ نیرشامل آنست، بروتهای کوچک اما باریک، سرتراشیده،درسن حدود35 سالگی. سید مانند(Nogai) هالباس میپوشد، متواتر چای مینوشد، ومانند مردم فارس دود میکشد. اوظاهراازکدام دین مشخصی پیروی نمیکند. طرز زنده گی اوبیشر بیک اروپایی میماند تا به یک مسلمان. یک ایرانی(

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

فارسی)دایم همرایش میباشد. احساسات سیدرومی راجع به روسها وانگلیسها رامیتوان از صحبت ذیل که خوشبختانه درمدت دوساعت صحبت سید با این نویسنده میسرشده، درک نمود:
اول –امپراطورروسیه کاکای خودراباتعداد دولک سپاهی روسی یک لک قزاق وکلمک وغیره به ترکستان فرستاده وهدف فوری آن مارش بطرف هندوستان ازطریق هرات میباشدتاهندوستان رافتح کند. انگلیسها درجبهات فراخ وباز بمقابل روسها مقاومت نمیتوانند.
دوم- انگلیس دراول اجازه دادواینکاررا مطابق به آرزووتمایلات خوددید که روسیه پیشروی خودراادامه بدهدوترکستان رااشغال کند، ودرآنباره یک قراردادوستی بین حکومات انگلیس وروسیه امضاءشده که روسها بعداز آن هرگزبه امورهندوستان مداخله نخواهندکرد. بعدازآن انگلیس خواست امتحان کندکه آیاروسها اهداف دشمنانه بمقابل شان دارند یاخیر. قرار مسموع انگلیس درصددآن شد تااحساسات وتمایلات شهزاده گان هندوستان رامعلوم کندوبه این منظور جاسوسان مخفی نزدشهزادگان گماشت تانظریات آنهارادربارۀ پیشرویهای روسیه معلوم کنند.
سوم- امپراطورروسیه مالک واختیاردار 18 لک "خانزاده گان" مقیم دربار اوست که حاضرنددرصورت ضرورت جانهای خودرابرای او وبه امراوفداکنند.
چهارم – حکومت انگلیس هیچگاه به تعهدات خودپابندنبوده ودر مدت ده سال گذشته به هیچ قراردادخودمتعهدنمانده است. انگلیسها خاکهای کشور هاراازطریق خدعه غصب میکنند.امادولت روسیه عهدوقول خودرا جداً رعایت میکند. انگلسها دزدان بی بندوبارندکه درین اواخرظهورکرده اند وتمام انچه رابدست آورده اندازطریق خیانت وچال بازی بوده. دولت روسیه از زمان اسکندرمقدونی تاحال وجود داشته است.
پنجم – روسهاحتی درمقابل دشمنان خودسخاوت پیشه وباگذشت بوده اند؛ بطورمثال امپراطورروسیه مهلت مدت 30 سال رابه سلطان محمد،پدرعبدل مجیدخان، سلطان ترکیه قایل شد، آنهم درزمانی که سلطان بخاطربدگمانی هایش چهل هزارسپاهی خودرااعدام کرده بود،وناتوانی خودرادرمقاومت به مقابل اشغال کشورش ازجانب روسیه اظهارنموده بود؛ والبته بعدازسپری شدن مدت 30 سال بودکه دولت روسیه 70 شهررا ازنزد سلطان ترکیه درتصرف خوددرآورد.
ششم- زمامداران انگلیس درکشورخودقدرت واختیارندارند، چونکه اختیار بدست پارلمان است، اما امپراطورروسیه اگرچه اوهم پارلمانی دارد؛ ولی همه قدرت بدست اواست.
درموردمسایل هندوستان سید به این نظربودکه(Nana Rao) یک شخص احمق است، اگرچه اوتوانست دستان یکعده قصابان راقبل ازاشغال(کانپور)قطع نماید اما اینکاراو احساسات مسلمانان راجریحه دارساخت؛ دیگر اینکه 330 سپاهی انگلیس توانستند (Hailey Guard) رادر (لکنهو) اشغال کنندوهم قصرزعیم بزرگ (Oudh) رامتصرف شدند؛ دیگر اینکه هزاران نفرسپاهی هندوستانی خودرابه دریای (گومتی)انداختندوغرق شدند، وغیره وغیره."" (ختم صفحۀ 154).
255- امیرازسید دردوموضوع مهم مشوره خواسته واین موضوعات بین امیر و حکومت پنجاب درین اواخرتحت مکاتبه قرارگرفته بود. موضوع اول اقدامی بود مشورتی به ارتباط قاتل (Mr. Bean). موضوع دوم افتتاح راه تجارتی مجرای خیبر(خیبرپاس) بود.
256 – کمیساریشاورازطریق وکیل راجع به موضوع افتتاح(جشنوارۀ تجارتی درپشاور) که مدنظرمیباشد (درین مورد مکتوب خاص مورخ 31 مارچ ازجانب حکومت پنجاب به حکومت هندوستان ارسال شده)، به امیرنوشته وکمک امیر راعلاوه برچیزهای دیگر، درموردافتتاح یک راه مستقیم تجارتی به ترتیبی که ملک های خیبر ازهربارجامه محصول ترانزیتی اخذکنند، تقاضا نموده بود. ملاحظات سیدرومی درین مورد بقرارذیل است :
"" حاجی(سید) امیررامتقاعدساخته که دولت برتانیه باتقاضای افتتاح مجرای خیبر(خیبرپاس)،اهداف دیگری غیرازآنچه نوشته اند، درکله دارند، مثلا انکشاف تجارت بین هندوستان وترکستان. سیداستدلال میکردکه بهترین پالیسی برای اشغال یک کشورخارجی همانا افتتاح راه های جدید مواصلات بمنظور تجارت میباشد.
""سید میگفت که تجارت دربین هندوستان وکشورهای غربی از دوران داریوش تا امروز تنها ازسه طریق یا سه راه (Tatra, Abkhana, Karappa – تترا، آبخانه، کراپا)جریان داشته است؛ اینکه اکنون کسادکافی تجارت وجودنداردکه مستلزم افتتاح یک چنل یاراه جدید باشد؛ اینکه مجراهای آبخانه و تترا هرکدام فقط یک قدم (فرسخ) طویلتراز خیبر میباشد؛ اینکه وقتی روسها ازطریق جلگه های قرغز بالای خیواحمله کردند وآن کشوررا درناحیۀ دریای ارال متصرف شدند، انگلیسهاازاشغال هندوستان توسط روسیه بهراس افتادند و جاسوسان خود ازقبیل برنس، ستودارت، کانولی وغیره را به افغانستان وبخارا اعزام کردند، واگرچه کشورآنها درآنوقت نه به افغانستان وصل (همسایه) بود و نه به هرات، مقصد آنها باهمه قدرتیکه دراختیارشان بود متصرف شدن این دومملکت بود؛ بنابران انگلیسها ازشاه شجاع الملک فراری که بکشورشان پناه برده بود کارگرفتند وتعداد زیاد مردم قبایل خیبر را وادارساختند که به سپاه انگلیس اجازۀ عبور از درۀ خیبر بدهند؛ اینکه اکنون که روسها بطرف دریای آمو پیشروی میکنند، اضطراب انگلیسهارامیتوان قیاس کرد؛ وبالاخره اینکه درتقاضای انگلیسها برای افتتاح راه تجارتی درۀ خیبر، بدون شک مقاصدخاصی نهفته میباشد."

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

"" بنابرآن حاجی(سید) به امیرمشورت داده بحکومت برتانیه بنویسد و بگویدکه حجم تجارت هندوستان باافغانستان وبخارا به اوج ومنتها درجه رسیده وقابل توسعه نمیباشد؛ اینکه عایدات امیرازمدرک محصول گمرگی این تجارت، خصوصا ازمدرک صادرات چای در 9 سال اخیرخیلی زیادشده؛ اینکه اگردولت برتانیه ازبازشدن مجرای خیبر غیرازانکشاف تجارت کدام مقصد دیگری داشته باشد، امیرآرزو دارد آنرا بداند.""

"" حاجی(سید) درموردبازشدن مجرای خیبرپاس بکلی مخالف است. اومیگوید که "دولت روسیه دوستان ومتحدین خود وفیودالهای مربوط به آنهارا هرگزاز ثروت وملکیت هایشان محروم نمیسازد وموضوع خدایارخان خوقند را بطور مثال ذکر میکند.""

وکیل (نماینده رسمی برتانیه درکابل) بتاریخ 26 مارچ چنین مینگارد:

"" درمورد موضوع افتتاح مجرای خیبرپاس برای تجارت، امیربه این نظراست که اینکارانگلیس مداخله ایست درامور افغانستان ، اگرچه او متوقع است که چنین نباشد- شخصیکه درمراسلات گذشته بحیت(سیدرومی) معرفی شده، درین موردچنین اظهارنظرکرده: "اشخاص زیرک میدانندکه افتتاح یک مجرا ازیک مملکت بمملکت دیگر برای مقاصد تجارت بطورمرموزوابستگی میداشته باشد به تابع ساختن یک مملکت توسط دیگرش؛ اینکه بنظراو نوشته ها وتقاضاهای انگلیس برای افتتاح مجرای خیبرپاس، مقاصددیگری هم دربردارد؛(ختم صفحهٔ 155) زیرا درحال حاضرسه مجرای دیگرتجارتی وجوددارند: مجرای آبخانه(دریای کابل) ودوتای دیگر،اما مقصداصلی دولت انگلیس وابسته به تشویشی است که ازپیشروی روسیه بجانب افغانستان دارد: بمنظورتقویت دولت هندوستان انگلیس میخواهد افغانستان را تسخیرنماید؛ بنابرآن بهترین راه برای مقابله بااین اوضاع بنظرمن اینست که امیرهمان معاشی راکه قبلا امیر محمدافضل خان به قبایل خیبر مقررکرده بود- 15820روپیه- بازپرداخت شود تاقبایل خیبر وادار شوند مجرای خیبررابسته کنند- علاوتا به قبایل دیگر درامتداد سرحدانگلیس نیزمعاش مستمری مقررشود وازطریق جذبات قومی آنها نیزتوسط حکومت کابل جذب شوند. فهرست قبایل وسران آنها باید به سردار محمداسحاق خان والی جلال آباد داده شودکه اوباید ملک های قبایل را احضارو معاشات شانرا توزیع کند وهم تحفه ها وهدایایی به آنها داده شود- هکذا سران دیگرقبایل را احضار وآنها را نیزجذب کند.""

مورخ 30 مارچ : دیروز امیردرمجلس دربارردرموضوع افتتاح مجرای خیبر گفت که پدرش اگرچه مدت 40 سال سلطنت کرده و معاش سالانه مبلغ 40000 روپیه را به ملکان خیبر مقررکرده بود ، موفق نشده بود که مجرای خیبر راباز نگه دارد، او(محمداعظم) چطور میتواند این کار رابکند، آنهم درشرایطیکه جنگهای داخلی برای مدت 5- 6 سال ادامه داشته واو هنوزنتوانسته سلطنت خودرا مستقر سازد، او چطور میتواند این مجرا رابازنگه دارد؟ او باید ازهرنوع تلاش برای درگیری با این مردم پرآشوب منصرف شود. امیروعده کرد که درین موضوع یک جواب تحریری ارسال خواهد کرد، اما هیات مشاورین (کابینهٔ) او به این نظراست که این موضوع مربوط است به تلاش انگلیسها برای مداخله در امور افغانستان.

بعدازراپور فوق، این نویسنده معذور است که در اثر یک اکسیدانت اخیر به تقدیم راپور دوام داده نتوانسته است – بنابرآن علت متوقف شدن راپور ها برای نشر درمطبوعات نیزهمین معذرت میباشد.

درنهایت خوبست یادداشت شود که نقشهٔ (وامبری –Vambery) جریان واقعات کامپین رادرشمال کابل بسیار خوب نشان میدهد، واما دربارهٔ کامپین درجنوب کابل نقشه واطلس آقای (کیث جانستن –Keith Johnston) مکملتر خواهد بود.

امضاء (Nynee Tal) – مورخ 22 سپتامبر 1868

امضاء (H.Le Poer Wynne) معاون وزیر(اندرسکرتری) وزارتخارجهٔ هندوستان.

(ختم صفحهٔ 156).

بخش دوم : حدوث واقعات به داخل دستگاه دولت امیر

درمسیر قسمت اول سلطنت او

329 - به سید رومی چه واقع شد ؟

بعدازورود شیرعلی به تخت سلطنت درکابل (بتاریخ 8 سپتامبر)، این شخص را بصورت فوری نزد امیربردند ، و امیر اورا بخاطر خدمتگذاری به اعظم که شخصی فاقد دین بود، سرزنش کرد . جواب سید این بود که هرگزبطور دلخواه به امیر(اعظم) خدمت نکرده، امیر(شیرعلی) را قناعت داد وآرام ساخت، واو معاش ماهوار برایش تعیین کرد.

سید بتاریخ اول نوامبر این مکتوب عجیب را به امیر فرستاد: (تاریخ این مکتوب باید 1868م باشد-هاشمیان)

"" ای امیرالمومنین ! ای سلطان مسلمین ! احتراما به اطلاع شما میرسانم که من غرق درپشم (مو) میباشم. درکار دولت تاکنون من 716 سکهٔ طلایی (لیره)، هرکدام معادل 10 ونیم کابلی، و 240 سکهٔ طلایی (ماجور) هریک معادل 5 کابلی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مصرف کرده ام. بنابران اکنون مفلس وناتوانم وبخانهٔ شخص دیگری نقل مکان کرده ام؛ واگر دارایی من مصرف نمیشد، میتوانستم برای خود خانه ای خریداری کنم. نه ازامیر سخنی به ارتباط موضوعی قبلا فیصله شده می شنوم ، و نه برای من یک محل اقامت و یک معاش مقررشده است. من کرورها یا لکها روپیه تقاضا نکرده ام ؛ بعد ازسپری شدن یکماه، هنوز هم میتوانم درین مورد یاد آوری کنم، اما بدون یک محل اقامت دیگر یک لحظه تحمل نمیتوانم. اگر شما برایمن یک محل اقامت و یک معاش مقرر نمیتوانید، لطفا مرا برطرف سازید ودو سطری بمن بنویسید که فلان شخص برطرف شده است. خداحافظ تان.""

(یادداشت مترجم: متن فوق ازانگلیسی ترجمه شده که نماینده گی ازشیوهٔ نگارش سیدجمال الدین، آنهم به این شیوه به امیرشیرعلیخان، نمیکند . انگلیسها به سیدجمال الدین خصوصا درین مرحله که او هیچکاره شده، بنظر انتقام وحقارت مینگرند وحتما اخراج او ر ا از کابل به امیر شیرعلیخان سفارش کرده باشند).

سید هکذا به (Uslum) (شاید اسلم باشد؟) نامه ای به عین ترتیب نوشت واورا درمورد طرفداری از انگلیس ها و همچنین بی پرداختی به تقاضاهایش، سرزنش کرد.

ایجنت ما خبرداد که : " امیر بعداز دریافت ومطالعه هردو مکتوب سید، به این تصمیم وفیصله رسید که این شخص برای خود اهدافی دارد، بنابران اقامت مزید او درافغانستان شاید برای مملکت مضر ثابت شود؛ بنابرآن برای او2 1 تومان برای مصارف راه وسفر او داد و اخراج فوری اورا به کشور فارس، از راه قندهار وهرات، فرمان داد."

"اخراج سید از طریق قندهاربتاریخ 12 نوامبر صورت گرفت. بعداز اخراج او، ایجنت ما اززبان یکنفر اهل دربارشنیده بود که سید خودرا بحیث جاسوس روسی معرفی میکرد. " (ختم صفحهٔ 157).

یادداشت های مترجم :)

راپورفوق انگلیسها درهیچیک از آثار ایرانی و افغانی تا کنون بنظر من نرسیده است. کسانیکه متن انگلیسی این راپوررا ضرورت داشته باشند، آدرس پوستی خودرا بمن معرفی کنند، توسط پوستهٔ فضایی ارسال خواهد شد. ایمیل من ازینقراراست :

afghanmirror3@yahoo.com

2) اینک مردم افغانستان ازقلم واسناد خود انگلیسها میخوانند که آنها موجودیت سیدجمال الدین را بدربار امیرمحمد اعظم خان (سنه 1871 -1872) تحمل نمیتوانستند، زیرا سید جمال مانع پلانهای استعماری ا نگلیس قرارگرفته بود. بنابران انگلیسها از اول ورود سیدجمال را تاپهٔ (سیدرومی) و (سید قسطنطینی) زده بودند، وصدیق فرهنگ عوض آنکه در بارهٔ مبارزهٔ جدی سید جمال بااستعمار انگلیس چیزی درکتاب خودبنویسد، همان تاپهٔ استعماری "سید رومی" را درحق هموطن افغان خود تقلید کرده است.

3) وکیل (نمایندهٔ رسمی انگلیس درکابل) وجاسوسان انگلیس اخراج سید را از راه هندوستان اجازه نمیدادند، چونکه ازضدیت ومخالفت سید با اهداف انگلیس خبرداشتند ومی فهمیدند که سید درهندوستان مردم را تحریک میکند - ازجانب دیگرامیرمحمداعظم خان بعدازشکست بمقابل لشکر امیرشیرعلیخان، به ایران پناه برده بود وامیرشیرعلیخان ازین موضوع آگاه شده بود -، دربارهٔ مسیر خروج سیدازافغانستان درآثارایرانی وافغانی تناقض وجوددارد: کسانی میگویند که امیرشیر علیخان شرط گذاشته بود که از راه ایران عبور نکند، کسان دیگر میگویند که ازراه هندوستان خارج شده، چونکه رسیدن سید تحت نظارت ازکابل به قندهار(قرارراپور فوق ایجنت انگلیس) معلوم ومستند است، درینصورت او باید ازراه بلوچستان به هند رفته باشد، که درین مورد هیچ سندی دیده نشده وباید بکلی غلط باشد – بنابران سید از قندهار به هرات و از هرات به مشهد رفته که ثبوت آن در آثار ایرانی دیده میشود.

4) درکتاب (سیدجمال الدین افغانی واندیشه های او) تالیف مرتضی مدرسی چهاردهی (525صفحه)، که بنظرمن درجملهٔ آثار ایرانی بیطرفانه تر نوشته شده، میخوانیم که :" سیددرسنه 1273 ازین سفر(حجاز) برگشته و به افغانستان رفت وظاهراً درآنجا درخدمت امیر دوست محمد خان داخل شد، وتا وفات اودر 1284 وتا جانشینی محمداعظم خان به امارت درکابل بود ومقرب دربار وموردشورمحمداعظم بود وپس از آنکه در سنه 1285 شیرعلیخان مجددا بکابل به امارت رسید... جمال الدین همچمان درکابل ماند وبواسطهٔ سیادتش مورد انتقام امیرشیرعلی نشد، ولی اندکی بعد، اجازهٔ حج گرفته از راه هند عازم حجاز شد. محض منع اواز ملاقات بامحمداعظم خان دراجازهٔ مسافرت او شرط شده بود که ازایران عبورنکند." (صفحهٔ 249-50).

درکتاب دیگر (سیدجمال ا لدین وافکار او) تالیف دکتور شاه عبدالقیوم، مترجم عبدالرحیم احمدپروانی، ازنشرات سفارت افغانستان در دهلی 1378 شمسی- 2000م میخوانیم که :" سید پس از پیروزی امیر شیرعلیخان ازاو می ترسید که وزیر خاص اومحمد رفیق، از اوانتقام بگیرند. سید به هندوستان آمد، زیرا دربنجا هیچگونه خطری متوجه اونبود." (ص 34).

رساله ای به عنوان (راه فلاح) تالیف عبدالله الرحمن ، منطبعهٔ دهلی در صفحه اول خود راجع به (حضرت سیدجمال الدین افغانی) مقاله ای دارد درچهارصفحه ودر صفحهٔ دوم آن نوشته که :" سیدجمال الدین رحمت الله ابتدائیه رانزد پدرگرامی خود سیدصفدر فراگرفت که خود وی نیزیکی ار علماء بود وسپس هنگامیکه درعمر هشت سالگی به حکم امیر دوست محمد خان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

والد وخانواده اش بکابل کوچ کردند، و ده سال درآنجا اقامت گزیدند، درکابل ازعلمای بزرگ وممتاز آن عصر استفاده نمود..."
دراثری که از دوست محترمم مرحوم محمدعثمان صدقی تحت عنوان (سیدجمال الدین افغانی پیشوای انقلاب شرق)
ازانتشارات بیهقی، حوت 1355، چاپ شده ودر سیمیناری بمناسبت هشتادمین سالگرد سید درکابل توزیع شده، در صفحهٔ 16 آن چنین میخوانیم: " سید در سال 1861میلادی (1277 هجری) به افغانستان برگشت و سیدفقیر سیدجمال را به امیر دوست محمدخان معرفی کرد (بکلی غلط –هاشمیان)...سیددرسلک مصاحبان دربار (امیرڈوست محمد) داخل شد وبحیث مربی شهزاده گان وظیفه دارگردید. درهمین سال بسوی هرات رفت. امیر درجنگی که بین او وسردار سلطان احمدخان برادرزاده اش روی داد غالب آمد، درتمام مراحل این جنگ، از فراه تا هرات، سید با امیر بود و به او مشوره میداد."
این قلم(هاشمیان) درتمام دورهٔ جمهوریت داودخان به استثنای سه ماه اخیرآن درامریکا بوده ودردسامبر 1978 بکابل رفته است؛ در اواخرسال 1988 کسانی ازخاندان سادات کنرمرا متوجه اشتباهاتی که درکتاب صدقی وهم درکتاب پوهاند حبیبی رخ داده بود، ساختند ومن هردوکتاب را مرور کردم. به مرحوم صدقی ضمن یادداشتی در سه صفحه اشتباهات اورا نوشتم ، خصوصا درمورد مرحوم سیدفقیر پاچا که یکی ازپسران مرحوم سیدنظیف بابا بوده و ارلحاظ سلسلهٔ نسب همعصر سیدعلی همدان پدرکلان سیدجمال الدین بود که حتی پدر سیدجمال الدین هم اورا ندیده است – وهم تذکر دادم که سیدجمال الدین درحیات خودامیر دوست محمدخان راندیده ودر سفر او به هرات با او نبوده، بلکه شخصیکه ازسادات کنربه دربارامیردوست محمدخان درکابل موقع یافت، سیدمحمود پاچا ولد سید بهاء الدین پاچا (برادرزادهٔ سیدهاشم پاچا) میباشد که درمعیت امیربه هرات رفت ودرآنجا امیردوست محمدخان نواسهٔ خود(بی بی مریم دخترزوزیرمحمداکبر خان) را به او نامزد کرد و... درآنوقت حکومت خلقی، فکر میکنم صدقی ازکابل برون شده بود، اما آن مرحوم بمن نوشته بود که داکترنوین وزیراطلاعات وکلتوربه او گفت که به تقریب هشتادمین سالگرد سیدجمال درکابل آثار کافی وجودندارد، واز او تقاضا کرده بود اثری برای این مجلس که نماینده گان کشورهای ایران، ترکیه ، هند وپاکستان هم دعوت شده اند، بنویسد. صدقی علاوه کرده بود که به عجله هرچه پیدا کرد آنرا نوشته وبعد ازنشر کتاب کسان دیگری هم اشتباهاتش را به او گوشزدکردند- صدقی نوشته بودکه همه یادداشتها بشمول نوشتهٔ شما را به داکتر نوین ارسال کرده بودم تا درتجدید طبع کتابش در نظرگرفته شود. آن یادداشت بخط مرحوم صدقی درکتابخانه ام درکابل مانده است. هکذا اشتباهات پوهاند حبیبی را درپوهنتون درچند صحبت به آن مرحوم گفتنم واو یادداشت میگرفت، خصوصا که نام مجاهدکبیر سیدهاشم پاچا در کتاب او فقط دریکجا درجملهٔ شجرهٔ سادات کنرذکر شده وازجنگ مشهور او درپَشت بمقابل انگلیس و اینکه اومدت ده سال زعیم سیاسی ومذهبی منطقهٔ کنر بود، ذکری نشده است. مرحوم حبیبی گفت مرابعجله به کنرفرستادند وآنچه اسنادی درکنر بدستم آمد یادداشت کردم ودرجملهٔ قبرها قبرسیدهاشم رانیافتم. وقتی این کتاب طبع شد، یک نسخهٔ انرا قبل ازانعقاد مجلس بزرگ به رشتیا نشان دادم، واو مرامتوجه همین اشتباهم کرد، لهذا دراخیرکتاب یک یادداشت اضافه کردم که سیدهاشم ومجاهدات او ازقلم مانده است. مرحوم حبیبی بمن گفت که دربیانیهٔ شفاهی خود درسیمینار که برای او وقت کافی داده شده بود، مبارزات سیدهاشم پاچا را ذکر کرده بود. به اوگفتم که سیدهاشم پاچا بعدازجنگ پشت با انگلیس به باجور رفت، همانجا ماند وهمانجادفن شد وسیدصفدر وسیدجمال هم با او درباجور بودند، ازینجاست که شما درکنردربارهٔ سیدهاشم وسیدصفدر وسیدجمال که درباجورماندند، چیزی درکنربرایتان میسرنشده بود. مرحوم حبیبی همه اسناددربارهٔ سیدهاشم پاچا و سیدصفدر وسیدجمال را از من گرفت وبمن وعده داد که درتجدید چاپ کتابش یک فصل نو اضافه میکند. اما اینکار درآنوقت ممکن نبود ومرحوم پوهاند حبیبی این آرزورا باخود به گوربرد.
ارآنجائیکه درمورد سیدجمال الدین ایرانیها و هم افغانهای معاصرمعلومات ناقص نشرکرده اند، وخصوصا درموردزندگی مشترک سیدصفدرو پسرش با سیدهاشم پاچا در باجورهیچکس واقعیت هارا ننوشته وهم ازجنگ مشهور سیدهاشم پاچا در پَشت، که منبع تاریخی آن تاریخ موهن لال میباشد، چیزی ننوشته اند، چونکه خبرنداشتند، و تاریخ موهن لال تا 10 سال قبل که من آنرا دردوجلد درامریکا ترجمه کردم، بدسترس افغانها قرارنگرفته بود ، معهذا غبار و رشتیا وهم سراج التواریخ از جنگ سیدهاشم پادشاه درپشت ومبارزات او بمقابل استعمارانگلیس بطورمختصر ذکرکرده اند. من درنظردارم دربارهٔ تحصیلات ابتدایی سید جمال الدین درباجور، سوات، بنیر وپشاور و زندگی مشترک سیدصفدرو سید قاسم پسرسیدهاشم درباجور و بسامسایل دیگر، تحقیقی با اسناد ارائه کنم که درصورت بقای حیات انشاء الله یکی بعددیگر نشرخواهد شد. هدف من ازین سعی اینست که عوض شایعات و نقل قولهای نادرست، حقایق بدسترس مورخین ومحققین افغان قرارگیرد. با عرض احترام .
سیدخلیل الله هاشمیان – مورخ 6 فروری 2017 – کلفورنیا

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ